

عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی

دکتر غلامعلی سرمدی

مقدمه

به طور کلی انتخابهای انسان تحت تأثیر عوامل و مسایل متعددی صورت می‌گیرد که اهم آنها را می‌توان مقوله‌هایی همچون سن، جنس، تجربه‌های کاری زندگی اجتماعی، تحصیلات، نظام ارزشهای سرخاسته از دیدگاههای اجتماعی افراد و تشویق یا اجبار دانست. طبعاً، بررسی هر یک از این عوامل می‌تواند قابل ملاحظه و به سهم خود جالب باشد. برای مثال، تشویق از جمله عواملی است که از انگیزه‌های شخصی (= خود انگیزی)، محرکاتی که والدین برای افراد فراهم می‌سازند، نقش همسالان و همبازیها و همکاران و خویشاوندان و به طور کلی جامعه بزرگ ریشه می‌گیرد. به همین ترتیب، اجبار می‌تواند جنبه درونی (= خود تحمیلی) داشته باشد، یا انواع فشارهای خارج از وجود در آن تأثیر بگذارد؛ حالت اخیر را تحمیل خارجی می‌گویند.

از سوی دیگر، انتخاب کننده در هر وضعیتی باشد، معمولاً برای آنچه می‌خواهد برگزیند مشکلاتی دارد که باز هم دو جنبه درونی و بیرونی دارد. مشکلات شخصی یا درونی را می‌توان به صورت کسب و استعداد نقص‌بندی، مشکلات ناشی از عوامل اجتماعی - اقتصادی، ناتوانی در استفاده از شرایط و امکاناتی که در جامعه فراهم می‌شود، و مانند آن معرفی کرد. اما مشکلات بیرونی مجموعه عواملی است که ریشه در ذهن و اندیشه فرد ندارد، بلکه از محیط خارج منشاء می‌گیرد. تشویق یا تحمیل والدین و دوستان و اقوام و معلمان و مانند آن، مشکلات یا امکانات مثبت اقتصادی، استفاده یا سوء استفاده از فرصتهایی که در زندگی پیدا می‌شود، و دلایل مشابه از جمله این نوع عوامل است که می‌تواند در انتخابات انسان تأثیر بگذارد.

انواع انتخاب

اگر از یک زاویه دیگر به انتخابهای انسان نگاه کنیم، می‌بینیم که آدمی حتی

پیش از یک سالگی نیز به طریقی انتخاب می‌کند، ضمن اینکه در آخرین روزهای زندگی نیز حق انتخاب کردن دارد بررسیهای روان‌شناسی نشان داده است که اگر والدین تغذیه نوزاد با شیشه را از نخستین روزهای تولد او شروع کنند، لب و زبان کودک با دو حجم عادت می‌کند، اما اگر مثلاً بخواهند از دو ماهگی به او شیر از شیر مادر با شیشه مایعات بدهند، به احتمال زیاد در گرفتن سر شیشه و مکیدن آن مقاومت خواهد کرد.

زیرا تنها به یک حجم عادت کرده است. به همین ترتیب، به کسانی که اصرار دارند کودک را به مکیدن پستانک عادت دهند، توصیه می‌شود این کار را هر چه زودتر آغاز کنند، زیرا باز هم همان عادت و مقاومت مطرح خواهد شد.

کمی بعد کودک می‌خواهد کفش یا لباسی که بیشتر دوست دارد بپوشد، یا اگر در خرید به او اجازه اظهار نظر بدهند، دوست دارد نظر خودش را اعمال کند.

به همین ترتیب، کودک پیش دبستانی در آنچه برای او تهیه می‌شود، اظهار نظر و اعمال سلیقه می‌کند که معنی دیگر آن "انتخاب" است.

کودک دبستانی و دوره راهنمایی تحصیلی نیز می‌تواند در جاهای مختلف تابع انتخاب خودش باشد. این انتخابها غیر از لباس و خوراک آنچه به دوره پیش دبستانی مربوط می‌شود، عموماً در قالب مطالب مدرسه قرار می‌گیرد.

کیف و دیگر لوازم تحصیلی، انتخاب کلاس الف، ب، ج، و مانند آن به هر دلیل که باشد، انتخاب دوست، حتی انتخاب مدرسه (در صورتی که چنین امکانی به او داده شود) نمونه‌هایی از این نوع انتخابها است.

نگاهی دوباره به نمونه‌هایی که از انتخابهای آدمی بیان شد، نشان می‌دهد که برخی از آنها چندان مهم نیست و تأثیر تعیین کننده‌ای در زندگی حال و آینده انسان ندارد.

برای مثال، حتی اگر کودک این کفش یا آن بلوز را نپسندد، بعد از مدتی مصرف به آن عادت می‌کند و علاقه‌اش به آن زیادتر می‌شود.

به علاوه، مدتی بعد کفش و بلوز کهنه می‌شود، یا کودک قد می‌کشد و نمی‌تواند از کفش و لباس دیروز استفاده کند.

اما بر عکس، انتخابهایی وجود دارد که در زندگی بی‌نهایت تعیین‌کننده است. انتخاب همسر، انتخاب شغل، انتخاب شهر برای سکونت و امثال آن از انتخابهای نوع اخیر است. اما به نظر می‌رسد تا آنجا که به درس و تحصیل مربوط می‌شود، نخستین این انتخابها به اواخر دوره راهنمایی تحصیلی مربوط باشد. در واقع، شاگردان سالهای ابتدایی و راهنمایی تحصیلی را بر طبق الگوی همه‌گیر آموزش و پرورش پشت سر می‌گذارند، اما در پایان دوره راهنمایی تحصیلی که با انتخاب رشته مواجه می‌شوند، ناچارند نخستین مسأله جدی زندگی خود را حل کنند.

بی‌تردید، تمامی دانش‌آموزانی که پس از پایان دوره راهنمایی تحصیلی رشته دبیرستانی خود را انتخاب می‌کنند، در دبیرستان و سپس در آزمون ورودی دانشگاه‌ها موفق نمی‌شوند، یا اگر موفق شدند ممکن است این توفیق نسبی باشد، زیرا صددرصد به مطلوب خود نرسیده‌اند. با این حال کسانی که از روی تأمل، با مدتی اندیشه، و پس از مشورت با والدین آگاه و معلمان مطلع به این نخستین انتخاب حساس دست می‌زنند، یا در آینده با مشکل عمده‌ای روبه‌رو نمی‌شوند، یا این قبیل مشکلات آنان بسیار کمتر است.

یک بررسی میدانی

با توجه به اینکه به قراین می‌توان حدس زد نظر والدین، راهنمایی دوستان و اقوام و آشنایان، ارشاد معلمان، سلیقه شخصی، تصورات و حدس و گمان دانش‌آموز، نمرات دوره راهنمایی

تحصیلی، بی‌اطلاعاتی نسبت به رابطه رشته تحصیل دبیرستانی با رشته‌های دانشگاهی یا نیاز بازار کار و مانند آن در انتخاب رشته‌های تحصیلی دانش‌آموزان راهنمایی مؤثر است. بر اساس یک پرسشنامه محقق ساخته در مورد ۳۵ دانش‌آموزان یک مدرسه اراک نظرخواهی به عمل آمد.

این نظرخواهی در اوایل سال ۱۳۷۴ انجام شد و پاسخ دهندگان دانش‌آموزان سال دوم رشته علوم انسانی بودند. جداول زیر تعدادی از یافته‌های بررسی یاد شده را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: میزان تحصیلات والدین دانش‌آموزان

سطح سواد	پدران		مادران	
	درصد	عده	درصد	عده
سواد	۱	۳	۲	۱۱/۷
ابتدایی	۱۱	۳۱/۵	۹	۲۵/۵
راهنمایی تحصیلی	۲	۵/۵	۳	۸/۵
دیپلم	۲	۱۱/۷	۵	۱۴
کاردانی	۲	۵/۵	۱	۳
کارشناسی	۲	۵/۵	۲	۱۱/۷
کارشناسی ارشد	۳	۸/۵	-	-
دکتر	۱	۳	-	-
بی‌حرف	۹	۲۵/۵	۹	۲۵/۵

به طوری که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، چشمگیرترین ویژگی، پاسخ ندادن ۵۰ درصد افراد مورد بررسی به سؤال است، هر چند در خصوص توجه آن نمی‌توان به حدس و گمان متوسل شد.

در عین حال، در توضیح جداول بعدی به این مقوله خواهیم پرداخت.

نکته دیگر اینکه بالاترین درصد سواد والدین به گروه دارای تحصیلات ابتدایی مربوط می‌شود، ولی دارندگان تحصیلات مدارج بالاتر کم و کمتر می‌شوند. به علاوه، در وضعیت مادران و پدران چندان تفاوتی به چشم نمی‌خورد، هر چند عده مادران چهار برابر پدران بیسواد است و در بین مادران هیچکس با مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر دیده نمی‌شود.

جدول شماره ۲: مشاغل والدین دانش آموزان

سطح سواد	پدران		مادران	
	توزیع	عدد	درصد	عدد
کارمند	۱۲	۳۴	۲	۵/۵
کارگر	۷	۲۰	-	-
آزاد	۷	۲۰	۲۹ (خانه دار)	۸۳
کشاورز	۲	۵/۵	-	-
بی جواب	۷	۲۰	۴	۱۱/۷

این سه گروه اطلاعاتی در حدود یکدیگر داشته‌اند، حال آنکه نقش برادران و خواهران مجموعاً نیز در همین حدود قابل ملاحظه است. بنابراین، می‌توان گفت که اطرافیان و مشاوران چندان تأثیری در این انتخاب نداشته‌اند، در صورتی که قاعدتاً باید عکس این حالت وجود می‌داشت.

جدول شماره ۴: انگیزه‌های اساسی انتخاب

انگیزه	توزیع	عدد	درصد
نمره کافی		۱۸	۵۱/۵
آسانتر بودن رشته علوم انسانی		۲۲	۶۳
کافی بودن اطلاعات		۱۷	۴۸/۵
نبودن رشته‌های		۶	۱۷
دیگر		۲۶	۷۴
به قصد ادامه تحصیل			

جدول شماره ۲ حکایت از آن دارد که عده

زنان و مردان دارای شغل دولتی حدود ۴۰ درصد کل است، هر چند ۳۴ درصد این عدد به پدران مربوط می‌شود. همچنین، ستون "بی جواب" نیز حاکی از آن است که حدود ۳۸ درصد دانش آموزان نخواستند مشاغل پدران و مادران خود را در پرسشنامه بنویسند. باز هم به این اعداد اشاره خواهیم کرد.

جدول شماره ۳: عوامل مؤثر در انتخاب

رشته تحصیلی

عوامل	توزیع	عدد	درصد
علاقه شخصی		۲۰	۵۷
تشویق والدین		۱۱	۳۱/۵
استعداد		۱۹	۵۲
دوستان		۱۱	۳۱/۵
نمرات دوره راهنمایی		۱۸	۵۱/۵
معلمان		۱۲	۳۲
برادر یا برادران		۳	۸/۵
خواهر یا خواهران		۷	۲۰

جدول شماره ۴ مبین این است که بزرگترین انگیزه‌های دانش آموزان امید به ادامه تحصیل، آسانتر تصور کردن رشته علوم انسانی و نمرات کافی دوره راهنمایی بوده است که مورد اخیر در جدول شماره ۳ نیز آمده است همچنین این جدول نشان می‌دهد که حدود نصف دانش آموزان اطلاعات خودشان را برای انتخاب رشته تحصیلی کافی می‌دانند و فقط ۱۷ درصد به دلیل نبودن رشته تحصیلی مورد علاقه آنان در نزدیکی محل سکونتشان رشته علوم انسانی را انتخاب کرده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که انتخابها از روی اندیشه و حساب شده بوده است.

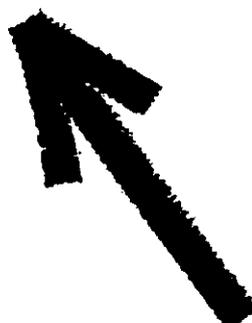
جدول شماره ۵: معدل سال سوم دوره

راهنمایی دانش آموزان

معدل	توزیع	عدد	درصد
۱-۱۲/۴۹		۵	۱۴
۱۲/۵-۱۵		۱۸	۵۱/۵
۱۵/۱-۱۷		۴	۱۱/۷
۱۷/۱-۲۰		۶	۱۷
بی جواب		۲	۶

چنانکه از جدول شماره ۳ برمی‌آید،

بزرگترین عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی دانش آموزان علاقه شخصی، استعداد تحصیلی و نمرات دوره راهنمایی تحصیلی آنان بوده که چون این سه عامل با یکدیگر ارتباط متقابل دارد، می‌توان پاسخهای دانش آموزان را صحیح دانست. نکته دیگر اینکه تشویق والدین و دوستان و معلمان در یک سطح قرار دارد و معلوم می‌شود





اراک دانست، اما به استناد اعداد و درصدهای مندرج در جداول می‌توان گفت:

الف: پاسخ ندادن ۵۱ درصد افراد مورد مطالعه به سؤال مرتبط با میزان سواد والدین آنها را می‌توان به صورتهای مختلف تعبیر کرد که یکی از این تعابیر به احتمال بیسواد بودن والدین و خجالت زدگی شاگردان در اقرار به این امر است. چنانکه این حدس درست باشد، لازم است نهادهایی همچون نهضت سوادآموزی توجه بیشتری به سوادآموزی والدین مبذول دارند.

ب: آنچه در خصوص سواد والدین بیان شده، در مورد مشاغل آنان نیز به چشم می‌خورد، زیرا حدود ۳۸ درصد افراد مشاغل پدران و مادران خود را ذکر نکرده‌اند که احتمال می‌رود از ذکر آن شرم داشته‌اند.

با توجه به اینکه فقط ۳۴ درصد مردان و ۵/۵ درصد زنان مشاغل اداری بوده‌اند، پیشنهاد می‌شود در مورد رابطه تحصیلات و مشاغل والدین با پیشرفت تحصیلی فرزندان آنان تحقیقاتی انجام شود.

ج: به نظر می‌رسد علاقه و شناخت شخصی دانش‌آموزان بزرگترین عوامل مشوق آنان برای انتخاب رشته تحصیل در دبیرستان بوده است در واقع اشخاص دیگر چندان کمکی به دانش‌آموزان نکرده‌اند. از اینرو، پیشنهاد می‌شود وزارت آموزش برای حل مسایلی از این قبیل چاره‌اندیشی نماید.

د: و بالاخره چون ۳۵ نمونه از لحاظ آماری عددی نیست که بتوان صددرصد به آن اعتماد کرده پیشنهاد می‌شود بررسیهای زیادتری با نمونه‌های گسترده‌تر انجام شود تا بتوان دلایل اصلی انتخاب رشته را در میان دانش‌آموزان بررسی و به آنان در انتخاب صحیح‌تر مساعدت کرد.

با توجه به اینکه ۵۱/۵ درصد دانش‌آموزان معدل ۱۲/۵ تا ۱۵ داشته‌اند، معلوم می‌شود اعداد مندرج در جداول قبلی (شماره‌های ۳ و ۴) درست است. موضوع دیگر اینکه دارندگان معدلهای ۱۰-۱۲، ۱۷، ۱۵/۱ و ۱۷/۱ به بالا تقریباً مساوی است، هر چند حتی با احتساب دو مورد بسی‌جواب نیز به اندازه گروه ۱۵-۱۲ نیست. در نتیجه، می‌توان گفت که شاگردان مورد بررسی آنقدرها در دوره راهنمایی درخشش درسی نداشته‌اند.

چند نتیجه و پیشنهاد

به طوری که گفتیم رشته تحصیلی در پایان سال سوم راهنمایی تحصیلی نخستین انتخاب حیاتی کسانی است که در نظامهای آموزشی مشابه کشور ما درس می‌خوانند. بنابراین چون این انتخاب در آینده آنان تأثیر تعیین کننده دارد، لازم است:

الف: والدین در این کار نقش چشمگیری داشته باشند و پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم مشاور و راهنمای فرزندان خود باشند.

ب: وظیفه اخلاقی فرزندان بزرگتر خانواده‌ها است که برادران و خواهران کوچکتر خود را در این امر مهم راهنمایی کنند.

ج: چون معلمان مطلع‌ترین افراد مدرسه‌ها محسوب می‌شوند، و مخصوصاً مربیان امور پرورشی چنین وضعیتی دارند، شایسته است از رشته‌های تحصیلی دبیرستانی و دانشگاهی و امکانات اشتغال برای فارغ‌التحصیلان مقاطع مختلف تحصیلی آگاهی کافی داشته باشند تا با دید وسیع‌تر نسبت به راهنمایی دانش‌آموزان در انتخاب رشته‌هایی تحصیل دبیرستانی اقدام کنند. اگر چه نمی‌توان ۳۵ نمونه از یک مدرسه را نمایندگان دانش‌آموزان رشته علوم انسانی شهر